



زیباکلام، صادق، ۱۳۲۷ -  
جامعه‌شناسی به زبان ساده / صادق زیباکلام - (تهران): روزنه، ۱۳۸۵.  
ص. ۲۰۹

ISBN:978- 964-334-251-7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
واژه‌نامه.

کتابنامه: به صورت زیر نویس  
۱. جامعه‌شناسی. الف. عنوان.

۳۰۱

HM۶۰۶/ف۲۹

۸۴۰۴۷۰۰۳م

کتابخانه ملی ایران



جامعه‌شناسی به زبان ساده

دکتر صادق زیباکلام

طرح جلد: سید پارسا بهشتی شیرازی

ویراستار: فرشته اتفاق، ناصر احمدزاده، سیدحامد بهشتی

حروف‌چینی: استلا اورشان

چاپ ششم: ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: شادریگ

آدرس: خیابان مطهری، خیابان، میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۵۳۳۳۰-۸۸۵۳۳۳۱ ۸۶۰۳۴۳۵۹

ISBN: 978-964-334-251-7

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۲۵۱-۷

# 30book

## فهرست

۷	..... مقدمه
۱۵	..... بخش نخست: تعریف و کلیات جامعه‌شناسی
۴۳	..... بخش دوم: امیل دورکهایم و جامعه‌شناسی کارکردگرا
۶۵	..... بخش سوم: کارل مارکس و جامعه‌شناسی مارکسیزم
۹۵	..... بخش چهارم: ماکس وبر و نظریه جامعه‌شناسی تعامل‌گرا
۱۱۷	..... بخش پنجم: هفت پرسش بنیادی جامعه‌شناسی
۱۳۹	..... بخش ششم: آیا جامعه‌شناسی علم است؟

تقدیم به :

مادرم اعظم بارقه

به پاس عظمت عشق به پدرم که هنوز

پس از گذشت ۳۵ سال از فراغش

همچنان عاشقانه به وی عشق می ورزد

## مقدمه

این کتاب مولود سه جریان است که هر یک بدون آنکه ارتباطی با یکدیگر داشته باشند منجر به تولد آن شدند. جریان نخست یا نطفه اولیه به وجود آمدن آن، باز می‌گردد به اواسط سال ۱۳۷۹. آن روزها من به دنبال یافتن یک کار تدریس برای یکی از دانشجویان فارغ‌التحصیل ام‌بودم. از جمله با یکی از همکاران که دفتر و دستک یکی از مراکز آموزشی دانشگاه علمی - کاربردی وزارت علوم در دستش بود تماس گرفتم. او هم گفت که می‌تواند از متقاضی برای تدریس در دوره‌های پودمانی که من تا آن روز اسمش را هم نشنیده بودم استفاده کند. از من پرسید که رشته تحصیلی متقاضی چیست و من هم گفتم که لیسانس و فوق‌لیسانس در رشته تاریخ است. تصور من آن بود که از دانشجویم برای تدریس در ادبیات، تاریخ یا دست‌کم روابط عمومی استفاده شود. اما تنها رشته موجود در آن مرکز برای وی جامعه‌شناسی بود. اشکال هم از اینجا پیش آمد که دانشجویم به هیچ‌روی استقبالی از تدریس جامعه‌شناسی نکرد. می‌گفت اگرچه هم در لیسانس و هم در فوق‌لیسانس، دو، سه درس جامعه‌شناسی داشته اما چیز زیادی دستگیرش نشده. آنچه برایم عجیب می‌نمود آن بود که او در دوره لیسانس دو درس جامعه‌شناسی‌اش را با نمرات ۱۹ و ۲۰ گذرانده بود. در دوره فوق‌لیسانس هم ۱۹ گرفته بود. با این همه حاضر نبود چند ساعتی در هفته آن را در سطح فوق‌دیپلم تدریس نماید. می‌گفت مطلب زیادی برای گفتن ندارد، چون چندان مباحث جامعه‌شناسی را درک نکرده. برای من خیلی عجیب بود که آخر

چگونه ممکن است فارغ‌التحصیلی شش واحد درسی جامعه‌شناسی در لیسانس و فوق‌لیسانس با نمرات ۱۹ و ۲۰ گذرانده باشد، آن وقت نتواند کلیاتی را برای دانشجویان فوق‌دیپلم یا حتی پایین‌تر ارائه دهد؟ پاسخ ایشان این بود که مطالب را صرفاً حفظ می‌کرده و چندان اشرافی به عمق و معنای متن پیدا نکرده. می‌گفت اساتید مطالبی را می‌گفتند و ما هم جزوه و کتاب را می‌خواندیم، بعد هم امتحان می‌دادیم، در حالی که چیز زیادی دستگیرمان نشده بود و این نوعاً حکایت درس جامعه‌شناسی برای بسیاری از ما بود.

شاید برای خوانندگانی که این جملات را می‌خوانند قابل درک نباشد که چگونه ممکن است دانشجویی درسی را در لیسانس و فوق‌لیسانس بگذراند، نمره بالایی هم بیاورد، در عین حال با مبانی، مبادی، چارچوب‌ها، کلیات و خلاصه با بنیان‌های اولیه آن درس چندان آشنا نشود. در پاسخ می‌بایست گفت که اتفاقاً چندان جای شگفتی ندارد و دریغاً که این یکی از ویژگی‌های نظام آموزش عالی ماست. کم نیستند فارغ‌التحصیلان حتی موفق رشته‌های علوم انسانی که در برخی از حوزه‌ها که بنیان مطالب درسی روی ترجمه قرار دارد، فهم عمیق یا حتی متوسطی از آن درس پیدا نمی‌کنند و صرفاً مطالب را حفظ کرده و در عین حال نمره بالایی هم می‌آورند، بدون آنکه درک چندانی از مفاهیم آن حوزه پیدا کنند.

تا آنجایی که به فارغ‌التحصیل جویای تدریس ما مربوط می‌شود، من به ایشان پیشنهاد کردم که خودم مطالبی را در خصوص جامعه‌شناسی برای ایشان می‌نویسم و او هم همان مطالب را تدریس نماید و آن فرصت به دست آمده را از دست ندهد. قرار شد ترم بعد ایشان به سر کلاس بروند و من هم در این فاصله شروع کردم کلیاتی را پیرامون جامعه‌شناسی نوشتن. اما مثل بسیاری دیگر از کارهای مملکت‌مان در میانه‌راه تصمیم مدیریت آن واحد تغییر کرد و قرار شد متقاضی ما همان درس تاریخ را ارائه دهد. من ماندم و ۶۰، ۷۰ صفحه مطلب پیرامون کلیات جامعه‌شناسی.

جریان دومی که زمینه‌ساز تولد این کتاب شد آن بود که قریب به یک سال بعد از ماجرای یاد شده، من عهده‌دار تدریس درسی به نام «امپریالیزم خبری» برای

دانشجویان فوق‌لیسانس رشته علوم ارتباطات شدم. فکر می‌کنم نفس عنوان «امپریالیزم خبری» خود به تنهایی بیانگر سرفصل‌ها و مطالبی باشد که شورایی‌عالی انقلاب فرهنگی برای این درس در نظر گرفته. نمی‌دانم زمانی که لنین رساله «امپریالیزم؛ عالی‌ترین مرحله تکامل سرمایه‌داری» را می‌نوشت، آیا هرگز تصور می‌کرد که ۷۰، ۸۰ سال بعد اندیشه‌های او دست‌مایهٔ درسی در دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران شود؟ این‌که چرا کسی که اساساً قائل به وجود پدیده‌ای به نام «امپریالیزم خبری» نیست، ناچار می‌شود آن را تدریس هم بکند، خود حدیث جداگانه‌ای است. اگر در نظام آموزشی عالی ما چندان دغدغه‌ای نیست که مفاهیم بنیادی جامعه‌شناسی فراگرفته شود، در عوض تأکید فراوانی صورت می‌گیرد تا دانشجویان با اصول و مبانی «امپریالیزم خبری» آشنا شوند. استتکاف من از تدریس آن درس و اصرار بر تدریس درسی که قبلاً ارائه می‌دادم به جایی نرسید، چرا که دانشجویان آن واحد درسی را گرفته بودند و به هر حال می‌بایستی ارائه می‌شد. برای حل مسئله با دانشجویان به توافق رسیدیم که من در حوزه دیگری تدریس کنم و دانشجویان خود پیرامون «امپریالیزم خبری» کنفرانس دهند. از میان مباحثی که برای تدریس با دانشجویان مطرح شد، آنان به جامعه‌شناسی بیشتر اشتیاق نشان دادند، با آنکه همچون متقاضی‌مان آنان هم در لیسانس و در فوق‌لیسانس چندین واحد جامعه‌شناسی گذرانده بودند. برای این‌که دریابم که کار را از کجا می‌بایستی شروع کنم، یک سری پرسش پیرامون مبانی بنیادی جامعه‌شناسی از آنان به عمل آوردم و آن‌قدرها طول نکشید که متوجه شدم چرا دانشجوی خودم آن‌قدر از این‌که جامعه‌شناسی را تدریس کند اکراه داشت. مطالب سال گذشته را به علاوه مطالب بیشتری در طول ترم فراهم کردم و برای نخستین بار در عمرم درس جامعه‌شناسی را ارائه دادم. آن کلاس خیلی مورد استقبال دانشجویان قرار گرفت و قریب به دو، سه سالی آن تجربه ادامه یافت. از آنجاکه دانشجویان در مجموع راضی بودند، مدیر گروه و دیگر مسئولان دانشگاه هم چندان به روی من نمی‌آوردند که چه می‌کنم. اما سرانجام کشتیان آن دانشگاه را سیاستی دیگر آمد و آن بساط تعطیل شد. فایده آن دو، سه سال این شد که

مطالب بیشتری تهیه کردم. مطالبی که امروزه پایه و اساس این کتاب را تشکیل می‌دهند.

البته من تا اینجا هم بنا نداشتم که مطالب گردآوری شده را در قالب یک کتاب درآورم و در حقیقت آنچه باعث شد تا خیلی جدی به فکر این کار بیفتم، حادثه یا جریان سوم بود. دست‌نوشته‌هایم را می‌دادم به چندتایی از دانشجویانم و آنان زحمت می‌کشیدند، می‌بردند برای تایپ و بعد هم بر می‌گرداندند. در خلال رفت و آمدشان آنان بدون آنکه من در جریان باشم مطالب را خوانده بودند و به تدریج به من پیشنهاد کردند که آن مطالب را به صورت یک کتاب درآورم. مسئله اینجا بود که جملگی آنان، محمدرضا هدایتی، مرتضی باقیان، مهدی مسلمی، ابراهیم طبرستانی و مهدی خدایی، از بهترین دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه تهران بودند (در فاصله سال‌های تحصیلی ۸۴-۸۱) اصرار آنان برای چاپ کتاب برایم هم خیلی معنادار بود و هم قابل تأمل. با این‌که جامعه‌شناسی کار اصلی‌ام نبود اما در عین حال اصرار دانشجویان را می‌توانستم درک کنم.

در حقیقت، جامعه‌شناسی نیز همانند بسیاری از شعبه‌ها و شاخه‌های دیگر علوم انسانی، از غرب به ایران آمده است. از صدر تا ذیل، جامعه‌شناسی که در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شود یا به صورت کتاب چاپ شده، برگرفته از منابع غربی است. البته این مسئله به خودی خود عیبی ندارد. ممکن است دانشی از فرهنگ و جامعه‌ای به فرهنگ و جامعه دیگری انتقال یابد؛ هیچ‌کجای این پدیده عیب و ایرادی ندارد. مشکل از جایی به وجود می‌آید که بخواهیم آن دانش و معرفت را ترجمه کنیم و به زبان خودمان درآوریم. برخلاف تصور بسیاری اگر مترجم خواسته باشد مفهوم و معنا را منتقل کند و نه صرفاً قالب، متن یا پوسته را، ترجمه کار ساده‌ای نیست. یک مترجم می‌تواند جمله‌ها، فراها و در نهایت متنی را ترجمه کند بدون آنکه به درستی معنای آن را دریابد. مترجم، متن را جمله به جمله و لغت به لغت ترجمه می‌کند، بدون آنکه به درستی بداند که معنای مطالبی که ترجمه می‌کند چیست. شاید این مطلب برای خوانندگانی که هیچ‌وقت تجربه ترجمه نداشته‌اند، قدری سنگین، دیرپاب و غیرقابل تصور به نظر برسد که



چگونه ممکن است مترجمی متنی را ترجمه کند بدون آنکه معنای آن را به درستی درک کرده باشد. وقوع چنین پدیده‌ای نه تنها محتمل است، که اتفاقاً به طور منظم هم اتفاق می‌افتد. مترجمان حرفه‌ای توجه چندانی به معنای متنی که ترجمه می‌کنند ندارند، ضمن آنکه متن را هم به طور کامل ترجمه، و حق‌الزحمه‌شان را دریافت می‌کنند. بگذارید مثالی بزنیم تا قدری روشن شود که این پدیده عجیب چگونه ممکن است اتفاق بیفتد. کسانی که دست‌اندرکار فرآگیری یک زبان خارجی بوده‌اند، در مواردی با وضعیت دشواری در فهم معنای جمله و یا متنی در زبان بیگانه مورد یادگیری‌شان روبه‌رو می‌شوند. آنان معنای تک، تک لغات آمده در جمله را می‌دانند، با این همه نمی‌توانند معنای جمله را به درستی درک کنند. عکس این وضعیت نیز اتفاق می‌افتد. به این معنا که ما معنی جمله را با آنکه برخی لغات را نمی‌دانیم به درستی می‌فهمیم. حالت اول اغلب در مورد یک گزاره بلند یا پاراگراف نیز اتفاق می‌افتد.

این حالت؛ این که خواننده معنای همه لغات را می‌داند اما معنای متن را متوجه نمی‌شود، وضعیتی است که مترجمان حق‌الزحمه‌ای اغلب در آن به سر می‌برند. روش عملی هم که اتخاذ می‌کنند آن است که متن را جمله به جمله و لغت به لغت ترجمه می‌کنند؛ درست مثل یک کامپیوتر. اگر مترجمان حق‌الزحمه‌ای بخواهند متون مختلف حقوقی، سیاسی، ادبی، اجتماعی، فنی و... را که ترجمه می‌کنند در عین حال درک هم نمایند، می‌بایستی فیلسوف به معنای قدیم و کلاسیک آن باشند. در عالم واقعیت، مترجم بدون آنکه معنی متن را بفهمد آن را ترجمه می‌کند. ترجمه‌هایی از این دست البته عیب و نقصی هم ندارند، جز این که خواننده یا معنای متن را به درستی درک نمی‌کند و یا آنکه مجبور است پس از چند بار خواندن متن، معنای مورد نظر نویسنده را حدس بزند.

آنچه گفتیم حکایت تلخ بسیاری از متون علوم انسانی است که به فارسی ترجمه و چاپ شده‌اند. شاید سخنی به اغراق نرود اگر کسی مدعی شود که یکی از بزرگ‌ترین معضلات اساسی دانشجویان رشته‌های علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی در ایران، درک و فهم عمیق متون کتاب‌هایی است که در حوزه‌های

30b



انتشارات روزنه



ISBN 964334251-4

9 787643 342517

یکی نظریات جامعه‌شناسانی چون دورکهایم، مارکس، وبر و... می‌که با بیان پیچیده و جملات ابهام‌برانگیز و نارسای برخی شارحان ه می‌شود، عامل مهمی خواهد بود در سخت‌فهم شدن این نظریات عاً گریزان شدن دانشجویان از مطالعه این نظریات. دکتر صادق لام تلاش کرده است تا در این کتاب شرحی ساده، همه‌فهم و به دور از یکی‌های مرسوم شارحان این نظریات ارائه کند.